أحب الله من أحب حسينا

منبر صوتی نوشتاری

امام حسین علیه السلام در قرآن

جلسه دهم



سخنران

حجت الاسلام سید مجید نبوی

بسم الله الرحمن الرحيم

امام حسین علیه السلام در قرآن جلسه دهم

نویسنده:

سید مجید نبوی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

امام حسین علیه السلام در قرآن جلسه دهم

مشخصات کتاب

منبر صوتی نوشتاری

حجت الاسلام و المسلمین حاج سید مجید نبوی

محل سخنرانی :

استان فارس : شهرستان اشکنان حسینیه جماران

موضوع سخنرانی :

امام حسین علیه السلام در قرآن جلسه دهم

فضیلت یاران امام حسین علیه السلام

تاریخ سخنرانی :

محرم ۱۴۳۶ سال ۱۳۹۴ شمسی

ایمیل سخنران : nabavi۱۳۵@gmail.com

خطبه

.Your browser does not support the audio tag

اَعوذُ بِالله مِنَ الشیطان الرَّجیم

بسمِ الله الرَّحمنِ الرَّحیم

اَلحَمدُلله ربِّ العالمین بارِءِ الخَلائِق اجمَعین جامِعِ الناس لِیوم لارَیبَ فیه ، ثُمَّ الصَلوهُ و السَلام عَلی البشیرِ النَّذیر و السِّراجِ المُنیر ، سَیّدَنا و مَولانا أحمَد اَبی القاسِمِ المُصطَفی مُحَمَد صَلّیَ اَللهُ عَلَیه وَ آلِهِ و سَلّم و علی اَهلِ بَیتِهِ اَلطَّیبینَ الهُداهِ المَهدیین سیُما ناموسَ الدَّهر وَ إمامَ العَصر ألحُجَّهِ بنِ الحسنِ العَسکَری عَجَلَ اللهُ تَعالی فرَجَهُ الشَّریف وَ لَعَنَهُ اللهِ عَلی مَن لَم یَقِرُّ بِوِلایَتِهِم و عَلی أعدائِهِم أبَد الابِدین و دَهرَ الدّاهِرین.

شعر

.Your browser does not support the audio tag

نمی دانم عزیزِ جان کجایی

امان از درد جانسوز جدایی

یا صاحب الزمان

خوشا پروانه هایِ گِردِ کویَت

خوشا پرپر زنان شمعِ رویَت

آقا جان

چرا دوری زِ تو تقدیرِ ما شد

چرا این غم گریبانگیرِ ما شد

جوانی طی شد و پیری سر آمد

ولی محبوب من از در نیامد

یا صاحب الزمان ، یا صاحب الزمان

آیه ی مورد بحث

.Your browser does not support the audio tag

وَ بَعدُ فَقَد قالَ الحَکیم فی القرآن العظیم ،

فَلَمّا أَحَسَّ عِیسَی مِنْهُمُ الْکُفْرَ قَالَ مَنْ أَنصَارِی إِلَی اللّهِ قَالَ الْحَوَارِیُّونَ نَحْنُ أَنصَارُ اللّهِ آمَنّا بِاللّهِ وَ اشْهَدْ بِأَنّا مُسْلِمُونَ (۱)

ص: ۱

۱- چون عیسی از آنان احساس کفر کرد گفت یاران من در راه خدا چه کسانند حواریون گفتند ما یاران [دین] خداییم به خدا ایمان آورده ایم و گواه باش که ما تسلیم [او] هستیم سوره آل عمران آیه ۵۲

اعلام صلوات

.Your browser does not support the audio tag

شب عاشورای حسینی و عزای سید و سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام است . جهت عرض تسلیت به

پیشگاه مقدس و منور قطب عالم وجود ، صاحب عزا ، امام زمان روحی و ارواح العالمین لِتُراب مَقدَمِهِ الفداء صلواتی ختم فرمایید .

طرفدارن حضرت نوح علیه السلام

.Your browser does not support the audio tag

خدمت شما عزیزان عرض کنم در ادامه بحث آنچه که شب های گذشته پیرامون امام حسین علیه السلام از دیدگاه قرآن کریم صحبت می کردیم ، امشب نیز آیه ی ۵۲ از سوره مبارکه آل عمران را که ارتباطی مستقیم با سیدالشهدا علیه السلام دارد را در این انجمن قرائت کردم و اکنون به توضیح آن می پردازم . اما برای بهتر درک کردن این آیه ی شریفه لازم است از بیان یک مقدمه ای که شاید مقدمه از خود ذی المقدمه طولانی تر شود اما چه کنیم که ضرورت دارد .

یک حقیقتی در این عالم است و آن این که همیشه اطراف حق و حقیقت خلوت بوده است و طرفداران باطل در طول تاریخ بشر بسیار زیاد بوده است . شما نگاه کنید یک زمانی نوح پیغمبر علیه السلام مأمور می شود که مردم را هدایت کند . هدایت او به این صورت نبوده است که بگوید نماز بخوانید ، روزه بگیرید ، حج به جا بیاورید ، خمس بدهید ، صدقه بدهید چه بکنید و چه نکنید . یک تکلیف بیشتر نداشتند و آن این بود که : ای مردم بیایید می خواهیم یک کشتی بسازیم که آینده یک باران شدیدی می آید و تمام کره ی زمین را آب فرا می گیرد فقط کسانی که سوار این کشتی هستند نجات پیدا می کنند و بقیه غرق می شوند .

ص: ۲

اتفاقا یکی از پیغمبران الهی که طول عمر بسیار زیاد داشت ، حضرت نوح پیغمبر است که نوشته اند بیش از دو هزار سال عمر کرده است . آنچنان عمری کرد که در بین مردم ضرب المثل شد . وقتی صحبت از طولانی شدن عمر می شود می گویند : چه خبر است مگر ما عمر را نوح داریم؟ .

اما اینکه دوره پیغمبری او چند سال بوده است ، قرآن کریم می فرماید : از هزار سال پنجاه سال کمتر بوده است . یعنی نهصد و پنجاه سال .(۱) یک پیغمبر الهی در یک امتی به آن جمعیت آنچنانی ، یعنی تمام أبناء بشر که روی کره زمین هستند تا آن زمان همه جزء اصحاب پیغمبر به شمار می آمدند . حالا چند نفر خوب هست که به حضرت نوح ایمان آورده باشند . کسی در بین این جمعیت می داند . بله . آنچه که در تاریخ نوشته شده است هشتاد و چهار نفر به حضرت نوح ایمان آوردند از بین آن جمعیت ، جمعیتی که آن زمان ممکن بود به میلیون می رسید . آن وقت هشتاد و چهار نفر عددی نیست . این از اول کار بشر .

طرفدارن حضرت عیسی علیه السلام

.Your browser does not support the audio tag

جلوتر می رویم حضرت عیسی پیغمبر که چه معجزاتی داشت . الله اکبر . که قرآن کریم به معجزاتش اشاره کرده است .

۱- وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ و به راستی نوح را به سوی قومش فرستادیم پس در میان آنان نهصد و پنجاه سال درنگ کرد تا طوفان آنها را در حالی که ستمکار بودند فرا گرفت (سوره عنکبوت آیه ۱۴)

(وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ) (۱)یک سری مریضی هایی آن زمان بود که هیچ دکتری نمی توانست آن ها را درمان کند . به إذن خدا ، عیسی پیغمبر این ها را شفا می داد . شما ببینید اگر یک همچون آدمی در زمان ما بود چه قدر مرید پیدا می کند . چه قدر دور آن جمع می شوند . بالاتر از این برایتان بگویم :

(وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ) برای همه مریضی ها همه نوع دار و درمان هست الا برای درد موت برای مرگ هنوز کسی درمان پیدا نکرده است ولی در آن زمان حضرت عیسی پیغمبر می آمد مرده را زنده می کرد . خوب هست چند نفر دنبال حضرت عیسی راه بیفتند . آقا قربانت بروم . کفشهای آقا را جفت کنند دست آقا را ببوسند . آقا کاری داری ما در خدمت شما هستیم . بسیار زیاد بودند .

اما وقتی یهودی ها تصمیم گرفتند که حضرت عیسی علیه السلام را بکشند همه فرار کردند الا دوازده نفر ماندند . آن ها گفتند ما از جان برکفان عیسی پیغمبر هستیم . اگر سنگ هم از آسمان ببارد ما دست از حضرت عیسی بر نمی داریم . حالا بشنویم و دوازده نفر را ببینیم . از این دوازده نفر وقتی دیدند یهودی ها خانه به خانه دنبال حضرت عیسی می گردند ، یازده نفر از آن ها فرار کردند انگار نه انگار که مرید حضرت عیسی علیه السلام بودند . فقط یک نفر ماند . آن یک نفر هم اول مردی کرد و گفت آقا من جایی دارم و تو را پنهان می کنم که عقل جن هم به آنجا نمی رسد . حضرت عیسی را به خانه خود آورد . بعد به او گفت شما اینجا بمانید من بروم غذا و وسیله ای بگیرم و بیاورم . وقتی دید عجب دارند خانه به خانه دنبال عیسی پیغمبر می گردند و جلو می آیند . یک مرتبه به فکر فرو رفت و گفت اگر عیسی علیه السلام را در خانه من پیدا کنند چه خاکی به سرم کنم . به تعبیر خودش ، پیش دستی کرد و رفت به یهودی ها گفت : نمی خواهد دنبال حضرت عیسی بگردید . آدرسش پیش من است . گفت حالا می روم حضرت عیسی را لو می دهم و پیش یهودی ها دارای رتبه و مقام می شوم . اما غافل از این که ، وقتی وارد خانه شد خداوند حضرت عیسی علیه السلام را به آسمان برد و شکل و قیافه این نامرد را شبیه حضرت عیسی کرد . (۲) یهودی ها ریختند و او را گرفتند . هرچه گفت بابا من که عیسی نیستم . من همان هستم که به شما گفتم عیسی در خانه من هست . گفتند : حرف نزن و عیسی دروغین را بردند و به صلیب کشیدند . حالا مسیحی ها فکر می کنند که حضرت عیسی را به صلیب کشیدند . نه .

۱- سوره آل عمران آیه ۴۹

۲- بسیاری از مورخان معتقدند: یهودا اسخر یوطی، یکی از حواریون، فریب دنیا را خورد

قرآن کریم می گوید اینجور نیست برای اینها اشتباه شد . (وَ مَا صَلَبُوهُ) او را به صلیب نکشیدند و او را نکشتند . (بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ) (۱) بلکه خدا او را به آسمان برد . که الان ما در اعتقادات شیعی مان داریم هنگامی که امام زمان علیه السلام ظهور می کنند خداوند حضرت عیسی را به روی کره زمین بر می گرداند و به تمام مسیحی ها می گوید ببینید من از یاران امام زمان هستم . در مسجد الحرام پشت سر امام زمان علیه السلام نماز می خواند و به مسیحی ها می گوید شما بیایید و ایمان بیاورید .

حضرت عیسی پیغمبر ، آن جمعیت آنچنانی که دنبال او بودند . کور مادرزاد را شفا می داد . فلج مادرزاد را شفا می داد . مرده را زنده می کرد وقتی که صحبت کشته شدن شد یک نفر هم اطراف او نبودند .

شاید بفهمید از این جا به بعد من می خواهم چه مسئله ای را مطرح کنم . که به به ، به اصحاب امام حسین علیه السلام . می خواهم از تاریخ برایتان مثال بیاورم که وقتی امشب می خواهیم به کربلا برویم ، چه اتفاقی در کربلا افتاده است واقعا آنهایی که ایستادند پای امام حسین علیه السلام مرد درجه یک این عالم بودند . مرد بودند . نوح پیغمبر آن جور ، عیسی پیغمبر آن جور ، اگر بخواهم بقیه پیغمبران را هم مثال بزنم از اصل بحث می مانیم .

ص: ۵

۱- قال الله تعالی: (وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا(۱۵۷) بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا(۱۵۸)) سوره نساء:۱۵۷-۱۵۸.

طرفدارن حضرت محمد صلی الله علیه و آله

.Your browser does not support the audio tag

بیاییم سراغ پیغمبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله .پیغمبر اسلام بیست و سه سال زحمت کشید یک جمعیتی را آورد و مسلمان کرد فقط آنهایی که مثبتی و واجب الحج شدند و آمدند مکه و بعد که متفرق شدند و به جاههای دیگر رفتند و آنهایی که برگشتند داخل حجه الوداع و به زمین غدیر رسیدند نوشته اند یکصد و بیست هزار نفر دست بیعت به دست امیر المؤمنین علیه السلام دادند . حالاچه قدر مسلمان بودند که صدو بیست هزار نفر آنجا بودند ! ببینیدپیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله چه قدر موفق بودند چه قدر همه را مسلمان کرد

اما قرآن کریم می فرماید : ای مؤمنین ، ای مسلمانان ، شما فکر کردید همین که گفتید ایمان آوردیم دست از سر شما بر می داریم . (وَهُم لاـ یُفتَنون) (۱)فکر می کنید شما را آزمایش نمی کنیم . (وَ لَقَد فَتَنَّا الذینَ مِن قَبلِهِم) (۲)ما امت های قبل از شما را هم آزمایش کردیم . موسی و امتش را من نگفتم ، ابراهیم خلیل و امتش را من نگفتم و.....

۱- أَحَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ (سوره عنکبوت آیه ۲) آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم رها می شوند و مورد آزمایش قرار نمی گیرند

۲- وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ (سوره عنکبوت آیه ۳) و به یقین کسانی را که پیش از اینان بودند آزمودیم تا خدا آنان را که راست گفته اند معلوم دارد و دروغگویان را [نیز] معلوم دارد .

این سنت الهی است اگر گفتی من به تو ای خدا ایمان دارم ، خداوند تو را آزمایش می کند . خداوند این امت چندین هزار نفری را با شهادت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله امتحان کرد . همین که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از دنیا رفت (إرتَدَّ النّاس بَعدَ النَّبی إلّا ثَلاثه أو أربَعه)(۱) این چه عبارتی بود که من خواندم . می گویند : بعد از رسول خدا همه مرتد شدند ، همه کافر شدند الا سه نفر یا چهار نفر . یعنی دیگر کسی نماز نمی خواند ؟ کافر شدند ، یعنی بی دین شدند ؟ نه . کسی که خدا و پیغمبر را قبول داشته باشد و علی را قبول نکند کافر است ، کافر است . نمی شود که (نُؤمِنُ بِبَعض وَ نَکفِرُ بِبَعض)(۲) من تا این جا را قبول دارم و بقیه اش را قبول ندارم . یکی را قبول نداشته باشی مثل این است که هیچ کدام را قبول نداری . در غدیر خم خدا به پیغمبر فرمود : « إن لَم تَفعَل فَما بَلَّغَهَ رِسالَته) (۳)ای پیغمبر تو تا اینجا آمدی ، بیست و سه سال احکام الهی و این همه زحمت کشیدی اگر این سخنان آخر را نگویی مثل این است که هیچ کدام را نگفته ای . اگر علی را معرفی نکنی مثل این است که هیچ کاری انجام نداده ای . الله اکبر . حالا بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله چند نفر باقی ماندند می گویند سه الی چهار نفر : سلمان ، ابوذر ، مقداد و عمار .

۱- روی ثقه الإسلام بالکافی, فقال: ((حنان، عن أبیه، عن أبی جعفر(علیه السلام)، قال: کان الناس أهل ردّه بعد النبیّ (صلّی الله علیه وآله و سلّم) إلاّ ثلاثه. فقلت: ومن الثلاثه؟ فقال: المقداد بن الأسود، وأبو ذرّ الغفاری، وسلمان الفارسی، رحمه الله وبرکاته.. علیهم، ثمّ عرف أناس بعد یسیر، وقال: هؤلاء الذین دارت علیهم الرحا وأبوا أن یبایعوا حتی جاؤوا بأمیر المؤمنین(علیه السلام) مکرهاً فبایع، وذلک قول الله تعالی: (وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَد خَلَت مِن قَبلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِن مَاتَ أَو قُتِلَ انقَلَبتُم عَلَی أَعقَابِکُم وَمَن یَنقَلِب عَلَی عَقِبَیهِ فَلَن یَضُرَّ اللَّهَ شَیئاً وَسَیَجزِی اللَّهُ الشَّاکِرِینَ) (آل عمران:۱۴۴))).(راجع: الکافی ج ۸ ص۲۴۵).

۲- سوره نساء آیه ۱۵۰

۳- سوره مائده آیه ۶۷

معرفی کتاب

.Your browser does not support the audio tag

بروید کتاب سلیمان قیس هلالی را بخوانید . که امام صادق علیه السلام این کتاب را به نام اسرار آل محمد صلی الله علیه و آله تأیید کرده است . این نرم افزاری که دیشب به شما معرفی کرده ام ، پانزده هزار کتاب در آن وجود دارد ، همین کتاب که الان گفتم هم در این نرم افزار هست . در آن کتاب نوشته است :

چهل شب امیرالمؤمنین علیه السلام در خانه اصحاب می آمد و می گفت : مگر نمی دانید که حق با من است ؟ بله . حاضر هستید که من حقم را پس بگیرم ؟ بله . پس شب سر خود را بتراش و صبح شمشیرت را بردار و به میدان شهر بیا .

صبح که امیرالمؤمنین علیه السلام آمدند ، سلمان و مقداد و ابوذر و عمار بودند بقیه نیامده بودند . چهل شب

دیگه امیرالمؤمنین علیه السلام خانه نشین شدند . این هم از اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله ، چه قدر ادعای اسلام و ارادت به رسول خدا داشتند . خداوند این ها را آزمایش کرد . به امیرالمؤمنین علیه السلام خراب کردند .

طرفدارن امام مجتبی علیه السلام

.Your browser does not support the audio tag

به سراغ امام حسن مجتبی علیه السلام . چرا امام مجتبی علیه السلام صلح کرد ؟ چرا مجبور شد ؟ این کتاب مُنتَهَی الامال حاج شیخ عباس قمی را در این نرم افزاری که به شما معرفی کردم رایگان در جیب شما می آید دریافت کنید روی گوشی و تبلت ها و برای هم دیگر بفرستید . همانطور که یک کلیپ زیبا می بینید و می فرستید این را هم برای هم دیگر بفرستید . از همه زیباتر است ، گنج است . در منتهی الامال مرحوم حاج شیخ عباس قمی در باب صلح امام حسن مجتبی علیه السلام مفصل نوشته شده است . خلاصه این است که معاویه وقتی دید امیرالمؤمنین علیه السلام به شهادت رسید . از شام لشکر کشید به سمت عراق که امام مجتبی حکومت می کرد . امام مجتبی علیه السلام لشکری ترتیب داد با چهار هزار نفر و چه ماجرایی ... فرمانده ، معاون اول ،معاون دوم ، معاون سوم برای لشگر، بروید بیرون شهر در نخیله بمانید تا من یک عده را بیاورم .

ص: ۸

این لشکر از کوفه که بیرون آمد یک وقت معاویه گفت : بروید ببینید فرماندهان آنها چه کسانی هستند . نقطه ضعف آنها را هم شناسایی کنید که می خواهم آنها را بخرم . هر کس یک قیمتی دارد . آنهایی که اهل رشوه هستند ، آنهایی که قاضی هستند . لااله الا الله . نداریم که . در آمریکا و اروپا را می گوییم . اینجا دارالمؤمنین است همه متدین هستند . هرکدام از آنها یک قیمتی دارند . معاویه گفت بروید ببینید قیمت هر کدام از اینها چه قدر است . یک کسی نقطه ضعفش اینه اگر به یکی گفته شود ما تو را استاندار فلان شهر می کنیم ، دل و دین و ایمان و همه را کنار می گذارد و به خاطر ریاست حاضر می شود هر کاری بکند . بروید ببینید ، گاهی هستند بعضی ها اگرچنانچه به آنها وعده پست و مقامی به آنها بدهی چندان جذابیتی

برای آنهـا نـدارد ، امـا اگر یـک کیسه طلا- برای آنهـا ببری و به آن وعـده بـدهی که دوباره به تو طلا می دهیم همان وقت به طرف تو می آیـد . یکی هست هیـچ کـدام از اینها برای او جـذابیتی ندارد فقط بگوید ایشان داماد معاویه است ، عرش را سـیر می کند . به هر کدام یک وعده ای دادند . کاری کردند که صـبح وقتی لشـگر بیدار شدند که پشت سـر فرمانده نماز بخوانند دیدند نه فرمانده و نه معاون اول ، نه معاون دوم و نه معاون سوم با دویست نفر از قوم و خویشان خود نیستند .

ص: ۹

شیرازه لشگر از هم پاشیده شد . بروید داستان را خودتان مطالعه کنید . سه بار امام مجتبی علیه السلام ، لشگر سه الی چهار هزار نفری ترتیب داد و معاویه اینجور آنها را می خرید .

بعد کار به جایی رسید آنهایی که پشت سر امام مجتبی علیه السلام نماز می خواندند برای معاویه نامه نوشتند : معاویه معطل چه هستی چرا نمی آیی ؟ تو فقط دستور بده ما امام مجتبی را تحویل شما می دهیم . این هم از امام مجتبی علیه السلام و این هم از این همه افراد که می گفتند آقا ما یاور شما هستیم .

امام حسین را فعلا نمی گویم ، برویم جلوتر امام سجاد ، امام باقر ، امام صادق ، امام موسی بن جعفر ، آقا علی بن موسی الرضا ، امام نهم امام جواد الائمه ، امام دهم امام هادی ، امام یازدهم ، امام عسکری و حتی امام زمان من و شما هم یار نداشتند .

طرفدارانت امام رضا علیه السلام

Your browser does not support the audio tag.

وقتی امام رضا علیه السلام از نیشابور رد می شدند که به خراسان بروند ، چه جمعیتی به استقبال آمدند که وقتی می خواستند حدیث بفرمایند چهار هزار قلم از قلمدان خارج شد . می دانید یعنی چه ؟ یعنی چه جمعیتی بودند که چهار هزار نفر از آن ها نویسنده که هیچ ، قلم و دوات همراه آن ها بود . خدا می داند چه جمعیتی بود . اینها به استقبال آمدند . کمی که جلوتر رفتند گفتند : یابن رسول الله عجب مریدانی دارید آقا قیام کنید . حضرت فرمودند : « با کی ؟ » آقا مگر جمعیت را ندیدید ؟ داشتند در بیابان می رفتند دیدم حضرت اشاره کردند به تعدادی گوسفند و فرمودند : « به خدا قسم اگر به تعداد این گوسفندان یار داشتم من که نمی نشستم ، انقلاب می کردم . گفت گوسفندان را شمردم دیدم هفده تا بیشتر نیست . گفتم پس این هایی که دارند برای امام رضا علیه السلام سر و دست می شکنند چی ؟ فقط حرف می زنند ؟

ص: ۱۰

داستان هارون مکی

Your browser does not support the audio tag.

آن قصه هارون مکی همه را حل کرده است . خیلی قصه داریم . آمد به امام صادق علیه السلام گفت چرا قیام نمی کنید ، بیش از هزار یار فقط در محله ما دارید . حضرت فرمودند بارک الله خوش خبر باشی . حتما از آن هزار تا یکی هم خودت هستی . گفت بله آقا من مطیع و شیعه ی شما هستم .

حضرت فرمودند: « این تنور آتش روشن است . اگر تو راست می گویی که شیعه من و گوش به فرمان من هستی ، من به تو می گویم برو و در میان آتش بنشین . » گفت چه می گویید ؟ فرمود : « برو در میان آتش بنشین . » دید جدی هست گفت : یابن رسول الله حالا می خواهید قیام نکنید دیگر این شوخی ها را با ما نکنید . فرمودند : شما گفتید من گوش به فرمان هستم این هم آتش ، من می گویم برو . »

همان وقت هارون مکی وارد شد ، سلام کرد . حضرت فرمودند : « ای هارون برو در تنور میان آتش بنشین . »

گفت : « چشم آقا » به میان آتش رفت . آن مرد گفت : من تعجب کردم ، حضرت به زانوی من زدند فرمودند : « در محله شما امام جمعه چه کسی است ؟ مردم مسائلشان را از چه کسی می پرسند . » امام حواس او را پرت کرد , چند دقیقه گذشت دیدم حواسش آنجاست . چی شد ؟ حضرت فرمودند : « دوست داری بدانی چه بر سرش آمد ؟ » گفت : « بله آقا . » آمدند و دیدند که ابراهیم وار ، در میان آتش نشسته است . نسوخته بود . تعجب کرد . پرسید: « می دانستی که نمی سوزی ؟ » گفت : نه . گفت : عجیب است با چه جرأتی میان آتش آمدی ؟ گفت : امام زمانم دستور داد . من می دانم که خیر من را امام زمانم از خودم بهتر می داند و اگر می سوختم حتما خیر من در این بوده است من چرا باید روی حرف امام حرفی بزنم .

ص: ۱۱

سرش را پایین انداخت . امام علیه السلام فرمودند : « از این شیعیان مانند هارون چند نفر در محله داری ؟ » گفت : « به خدا قسم من یک نفر را هم سراغ ندارم . » (۱) مردم فقط حرف می زنند .

ممکن است الان کسی بگوید حالا که این حرف ها نیست . ما سر و جان خود را برای امام زمانمان می دهیم . همین قدر برایتان بگویم امام زمان سیصد و سیزده تا یار داشته باشد دیگر نمی نشیند و قیام می کند . ندارد . مگر می شود ؟ بله . چهارده قرن دارد می گذرد . دویست سال آن را کم کن عصر سایر ائمه بوده است . نزدیک به هزار و دویست سال است که چندین بار ، برو کتاب را بخوان به نام عصر غیبت نوشته آقای مقدم در همین کتابخانه قائمیه هست . کسانی که فکر کردند حالا دیگر خیلی از مردم عاشق و شیفته امام زمان و سرباز او و همه گوش به فرمان او هستند . بعد امام زمان یه جورایی است که اگر بخواهم داستان های او را برای شما بگویم اصلا بحث می گذرد و وقت تمام می شود و ما هر شب سعی می کنیم حرف هایمان را جمع کنیم آخر هم تا بیاییم پایین یکساعت و ربع طول می کشد و دوست ندارم این قدر صحبتم را طولانی کنم ولی چه کنم که وقتی یک آیه قرآن مطرح می شود اگر حق آن أدا نشود بی انصافی هست . بقیه آن را نمی گویم . آدرس دادم کتاب معرفی کردم بروید مطالعه کنید . ثابت شده است دنبال حق و حقیقت همیشه افراد کمی هستند .

ص: ۱۲

۱- داستان هارون مکی : (بحارالانوار، ج ۴۷، چاپ بیروت، ص ۱۲۳، ح ۱۷۲، باب ۲۷ -) (سفینه البحار، ماده هرن - منتهی الامال، ج ۲، ص ۲۶۷، چاپ هجرت).

قرآن هم فرموده است : (وقَلیلٌ مِن عِبادیَ الشَّکور) (۱)از بندگان من تعداد کمی شاکر هستند .

طرفداران حج

.Your browser does not support the audio tag

آمـد در مسـجد الحرام به امام صادق علیه السـلام گفت : « امسال چه قدر حاجی به مکه آمده اند ، ماشا الله . آقا مسـجدالحرام دیگر جا نـدارد . » حضـرت فرمودنـد : « ما أکثَرَالضـجیج وَ أقَلَّل الحَجیـج بله سـرو صدا زیاد است . اما حاجی کم داریم . » آقا نفرمایید یعنی این ها حاجی نیسـتند . حضرت فرمودند : « فلانی از لابه لای انگشتان من نگاه کن ببین دور کعبه چند نفر دارند می گردند . » گفت : نگاه کردم از بین انگشتان حضرت دیدم یکی ، دو نفر بیشتر طواف نمی کنند . چشم بصیرت به او داد و حقیقت را دید . گفت آقا پس این ها ..... حضـرت فرمود : « سـر و صدا زیاد است حاجی کم داریم . » (۲) حاجی ها را داریم می بینیم دیگر نرویم سراغشان بس است .

طرفداران مسلم بن عقیل علیه السلام

.Your browser does not support the audio tag

مسـلم بن عقیل به کوفه آمـده است . هیجـده هزار نفر بیعت کرده اند ، آقا دوازده هزار نامه ، خورجینِ نامه ، هر نامه مال یک نفر که نبود رئیس یک قبیله ای با قوم و خویش خود برداشـتند یک نامه ای را نوشتند . اینها برای امام حسین علیه السلام آمده است ، آقا گذشت آن زمانی که اطراف پدر شما ، اطراف برادر شما را خالی گذاشتیم . الان می خواهیم جبران کنیم .ببینید ما هیجـده هزار نفر بیعت کردیم . قرآن کریم می فرماید : آیا گمان کردید تا گفتید ما ایمان آوردیم قبول می کنیم . نه . شـما را امتحان می کنیم .

۱- سوره سبأ آیه ۱۳

۲- بصائر الدرجات/ ۲۷۱. مناقب الطاهرین، عماد طبری ،ج ۲،ص:۷۰۰

عبیـدالله بن زیـاد ملعون در بصـره والی بود . یزیـد برای او نامه نوشت با حفظ سـمت به طرف کوفه برو به داد کوفه برس . آن وقت عبیـدالله با پنجاه نفر آمـد . خدا وکیلی هیجده هزار نفر شـیعه ، محب امیرالمؤمنین و محب امام حسـین علیه السـلام کجا ، پنجاه نفر کجا ، آن وقت چه بلایی به سـر مسـلم آمـد ؟ وقتی سـلام نماز را داد برگشت دید یک نفر هم پشت سـرش نیست . عجب ! یعنی این قـدر نـامرد ! بله . مگر عبیـدالله چه گفته است . آمـده یـک دروغ گفته است . بـا یـک دروغ مردم را اینجـور کرده است .

گفت : یک لشـگری دارد از شام می آید هر کس با حسـین بن علی کوچکترین ارتباطی داشته باشد جان و مال و ناموسش بر باد است . لشـگری نبود ! با پنجاه نفر مسـلم را گرفتنـد ، سـر از بدنش جدا کردند ، هانیه بن عروه رئیس آن قبیله ، هیچ ، تمام

شد . ایمان آورندگان کجا هستند ؟ جهنم . نیستند . کسی نیست .

طرفداران امام حسین علیه السلام

.Your browser does not support the audio tag

خود امام حسین علیه السلام از مکه حرکت کرد چند هزار نفر دنبال او راه افتادند . گفتند کوفی ها دیگر این دفعه نامه برای حضرت نوشتند . پای امام حسین علیه السلام به کوفه برسد کار یزید و بنی امیه تمام است . الان هرچه بروید در رکاب امام حسین علیه السلام وقتی که می خواهند پست و مقام ها را تقسیم کنند . برای شما بهتر است . زجر کشیده ها ، صدمه دیده ها ، زندان رفته ها ، شکنجه دیده ها اینها همه به میدان می آیند .

ص: ۱۴

رسیدند و منزل به منزل آمدند جلو ، به کجا رسیدند ؟ در منزلگاهی به نام زباله رسیدند . دیدند دو نفر سوار بر اسب رسیدند و گفتند السلام علیك یا اباعبدالله ، ما از شهر کوفه می آییم .خبر مهمی برایت داریم ، خصوصی باید به عرض شما برسانیم . امام که می دانستند خبر چیست . می دانستند چه اتفاقی افتاده است . برای این که این آشغال ها را از اطراف خودشان دور کنند ، به آن دو نفر فرمودند : « ما با اصحاب و یارانمان خبر یواشکی نداریم بلند بگویید تا همه بشنوند . » چند هزار نفر ، همه گوش ها را تیز تا ببینند که چه خبری از کوفه آمده است .

گفتند : ما از کوفه بیرون نیامدیم مگر اینکه با چشم خودمان دیدیم بدن بی سر مسلم از بالای دارالاماره به روی زمین افتاد .

وحشتی در جمعیت ایجاد شد . هیجده هزار نفر بیعت کردند آنها کجا رفتند یعنی آنها را هم کشتند . چه خبر شده است . امام حسین علیه السلام حرکت کردند در مسیر ، آشغال ها رفتند آنهایی که برای پول و مقام و ریاست آمده بودند رفتند و رفتند هرچه امام حسین علیه السلام نزدیک تر شد ، وقتی سپاه حر جلو سپاه امام آمد ، خیلی ها فرار کردند . دیدند خیلی جدی هست . آمدند به کربلا ، امام حسین علیه السلام فرمودند : اینجا محل کشته شدن ما است . دیدند که راستی خبری از حکومت نیست و رفتند .

تا امروز که روز تاسوعا بود از لشگر امام حسین علیه السلام کم می شدند . کم شدند . کم شدند تا شب عاشورا شد . اینجا خیلی مهم است . اصحاب امام حسین علیه السلام را نوشته اند که به هفتاد و دو نفر معروف است . اما شما بروید اسامی آن ها را بخوانید . در تاریخ نوشته است . کتابی است به نام نبراس الزائر انشاالله قسمت شما بشود و مشرف شوید به حرم امام حسین علیه السلام در قفسه کتاب ها ، کتاب نبراس الزائر نوشته آقای مهدی پور است . در زیارت های امام حسین علیه السلام که ذکر کرده است ، یک جا سلام آورده است از اصحاب و صد و پنجاه نفر را اسم می برد . می گوید اینها در کربلا شهید شده اند . معروفه ۷۲ تن حالا۔ چطور شده است آن یک بحث مفصلی است . حالا یا هفتاد دو نفر یا صدو پنجاه نفر ، فقط همین تعداد اندک ماندند و شب عاشورا شیخ مفید نوشته اند که : یک نفر هم از بین اینها از کربلا خارج نشد . امام حسین علیه السلام مقابل همین سپاه کوچکش ایستاد .

فرمود : « بسم الله الرحمن الرحیم حمد می کنم خدای هستی را که ما را آفرید و وسیله ی هدایت مارا فراهم کرد و نعمت هایش را در اختیار ما گذاشت . تا مطلب را به اینجا رساند ، و اما بعد ، اصحاب من ، یاران من ، امشب شما را جمع کردم تا برای شما بگویم این دشمنان, فقط با من کار دارند . هم به بچه هایم و هم به برادرانم و هم به قوم و خویشانم و به جمیع بنی هاشم می گویم به تمام اصحابم این را می گویم .

شما می توانید جان خودتان را بردارید و بروید . اگر هم که مثلا می گویید که با تو بیعت کردیم ، من بیعتم را از شما بر می دارم تا فردای قیامت هم جایی گیر نباشید . ای امام حسین چه قدر شفاف و خالص هستی ، ای امام حسین تو چه کسی هستی ؟

یک وقت صدای گریه بین اصحاب بلند شد . یکی یکی بلند شدند خیلی جالب بوده است می گویند قبل از آن حضرت زینب علیها السلام گریه می کرد . امام حسین علیه السلام فرمودند : « خواهرم چرا گریه می کنی ؟ » گفت :« چند روز هست که به کربلا آمده ایم صدای طبل را می شنویم و به سپاه دشمن لحظه به لحظه اضافه می شود . از این طرف هم از سپاه تو دارد کم می شود . »

فرمود : « خواهرم غصه نخور ما یار داریم تو بیا پشت خیمه ببین آن ها چه جوابی می دهند . » و این حرف ها قوت قلب حضرت زینب علیها السلام شد . تک تک اصحاب بلند می شوند و وفاداری خودشان را نشان می دهند .

آقا جان ما بر گردیم و شما را تنها بگذاریم ، اُف بر این دنیا و زندگی بعد از تو ، ای حسین نمی خواهم یک نفس بعد از تو در این دنیا بکشم .

آن یکی می گوید اگر چنانچه تمام این شمشیر ها بدنم را قطعه قطعه کنند محال است دست از تو بردارم .

مسلم بن عوسجه می گوید : آقا یک جان که هیچ ، اگر مرا بکشند و خدا زنده کند دوباره بکشند و زنده کنند . اگر هزاران بار زنده بشوم حاضرم در راه خدا تکه تکه شوم . مگر می شود ، فردای قیامت جواب خدا را چه بدهیم ؟ چه جواب جدت رسول خدا را بدهیم اگر از ما بپرسد چرا حسینم را میان این گرگ ها تنها گذاشتید .

به این اصحاب . ما الان سوره آل عمران آیه ۵۲ را چه خواندیم ، طرفداران عیسی را چه گفتی(نَحْنُ أَنصَارُ اللّهِ) ما یاران خدا هستیم . دروغ گفتند . أنصارالله در این عالم جز اصحاب امام حسین علیه السلام کسی نیستند اینها یاران امام بودند . این ها که ایستادند و حضرت به آنها فرمود هر کس امشب اینجا ماند فردا کشته می شود ، غیر از کشته شدن هیچ چیز دیگری نیست اما اینها باز هم ماندند . بیعت را برداشت ، باز هم ماندند . شما در کجا یک همچون اصحابی را پیدا می کنید . کدام یک از ائمه ، حتی پدرش امیرالمؤمنین علیه السلام چهار نفر بیشتر نداشت . گفتم الان امام مجتبی یک نفر هم نداشت . فرزندان طاهرینش یک یار هم نداشتند . اما امام حسین علیه السلام این تعداد یار را داشت . وقتی وفاداری اصحاب را دید فرمود :

(أَمَّا بَعْدُ، فَإِنِّی لَا أَعْلَمُ) خیلی حرف است ! (أَصْحَابًا أَوْفَی وَلَا خَیرًا مِنْ أَصْحَابِی،) (۱)مِن امام حسین ، کسی را سراغ ندارید . چه کسی دارد حرف می زند ، امام حسین علیه السلام . که خبر از تمام پیغمبران الهی قبل دارد و خبر از تا روز قیامت هم دارد ، می فرماید من اصحابی با فادارتر از اصحاب خودم سراغ ندارم . به امام حسین می گویند در طول تاریخ می توانی یک صحابی را نام ببری که از اصحاب خودت بهتر باشد . نه سراغ ندارم . بعد از اهل بیت خود نیز تشکر می کند . (وَلا اهل بیتٍ أبر و لاـ أَوصَل مِن اَهل بَیتی) من قوم و خویشی بهتر از قوم و خویش خودم را سراغ ندارم . ای قوم و خویش همدیگر . ای مردمی که به شما گفته شده است صله رحم داشته باشید ما صله رحم را چه می گوییم . این که برویم یک شام بخوریم . یک ناهار بخوریم یک صبحانه ای بخوریم . یک چای بخوریم ، خوب هست این هم صله رحم است . نه بابا صله رحم که این نیست . این تشریفات هست وقتی گفتند یک جا بروید یعنی وصال بده یعنی برو احوالش را بپرس ، یک قرض دارد تو می توانی کمکش کنی ، کمکش کن . این را می گویند صله رحم . اگر گرفتار هست و می توانی گرفتاری او را حل کنی ، حل کن . ما صله رحم داریم با همدیگر ؟ که بیاید زار زار گریه کند چه قدر قوم و خویش هایم دوستم داشتند اما همین که فهمیدند من ورشکست شدم دیگه جواب تلفنم را هم نمی دهند .

۱- «امّا بعد؛ فانّی لا اعلم اصحاباً اوفی و لا خیراً من اصحابی، و لا اهل بیت ابرّ و اوصل من اهل بیتی، فجزاکم اللّه عنّی خیراً. ألا و انّی لأظنّ یومنا من هولاء غداً. ألا و انّی قد اذنت لکم، فانطلقوا جمیعاً فی حلّ، لیس علیکم حرج منّی و لا ذمام، هذا اللیل قد غشیکم فاتخذوه جملاً»؛ [۱] «اما بعد؛ همانا من اصحابی باوفاتر و بهتر از اصحابم نمی دانم، و نیز اهل بیتی نیکوتر و در صله رحم برتر نیافتم. خداوند از ناحیه من به شما جزای خیر دهد. آگاه باشید! همانا من گمان می کنم که روز ما با آنان فردا باشد. آگاه باشید من به شما اذن رخصت دادم، همگی آزادید و می توانید بروید، از جانب من بر شما حرج و مذمّتی نیست، این شب است که تاریکی آن شما را فراگرفته آن را به مانند شتری بر خود مرکب گرفته و از آن استفاده کرده و فرار کنید.» [۱] مقتل الحسین علیه السلام، مقرّم، ص ۲۱۲.

به به ، به این قوم و خویش . آن وقت امام حسـین علیه السـلام می فرماید من قوم و خویشی مانند خود سراغ ندارم . حالا من و شمـا شایـد گیر بیفتیم چهار ریال قرض بخواهیم اما امام حسـین علیه السـلام راست می گویـد که قوم و خویشـی بهتر از خودم سراغ نـدارم .کـدام قوم و خویش بیایـد جـان خودش را فـدای قوم و خویش خود بکنـد . جان که بالاتر از همه چیز است . آن وقت امـام حسـین علیه السـلام آن را داشت . این را فرمود : (فَجزاکُمُ الله عنّی خَیرا) همین آنهـا را کافی بود . برای اصـحاب و اهل بیت و قوم و خویش امام حسـین علیه السـلام همین دعای امام حسـین کافی است . (فَجزاکُمُ الله عنّی خَیرا) خـدای جزای خیر از جانب من به شـما بدهـد . حالا من و شـما باید برویم مقابل ضـریح امام حسـین علیه السـلام دست راست یک پنجره ای است معروف است به محـل دفن شـهدای کربلاـ آنجـا مؤدب بـایستیم و بگوییم (السـلام علیکم یا انصارالله ، السـلام علیکم یا انصار رسول الله ، السـلام علیکم یا انصار ابی عبـدالله الحسـین علیه السـلام فَجزاکُمُ الله عنّی خَیرا) فردا قبل از ظهر عمری باشـد من خـدمت شـما منبر می روم همین بحث را می خواهم بگویـم .الاـن بگـویم تـا فردا یادم باشـد و اگر فراموش شـد شـما به من بگویید . آیا ما هم می توانیم جزء اصـحاب امام حسـین علیه السـلام باشیم ؟ فردا این بحث را مطرح می کنیم ببینیم اگر بناست که باشیم چکار کنیم که از اصحاب امام حسین علیه السلام باشیم .

روضه

.Your browser does not support the audio tag

السلامُ علیکَ یا ابا عبدالله

السلام علیکم یا انصار الله , السلام علیکم یا انصارَ رسول الله، السلامُ علیکُم یا انصار ابی عبدالله الحسین ، أشهَدُ اَنکُم قَد اَقَمتُمُ الصَّلوه وَ اتَیتُمَ الزَّکواه و أمَرتُم بِالمَعروفِ وَ نَهَیتُم عنِ المُنکَر لقد شارَکناکُم فیما دخَلتم به فَجزاکُمُ الله خَیر الجَزاء

شب عاشورای حسینی و شب شهادت ابا عبدالله است .

وقتی امام حسین حرف هایش با اصحاب تمام شد از خیمه بیرون آمد دید پشت خیمه حضرت زینب علیها السلام گوش ایستاده است . فرمود مطمئن شدی که من یار و یاور دارم ، دیگر اینقدر گریه می کنی یا نه . یا ابا عبدالله چه قدر نگران دل خواهر بودی . آخر حضرت زینب علیها السلام حق داشت .

نوشتند حبیب بن مظاهر وارد کربلا شد و به سپاه ابی عبدالله ملحق شد ، به او گفتند یا حبیب ، خبر آمدنت به گوش زینب رسید نمی دانی چه قدر دختر امیرالمؤمنین علیه السلام خوشحال شد . یک وقت دیدند حبیب بن مظاهر شروع به گریه کردند و گفتند : چه شده است . گفت : دلم برای غربت ابی عبدالله می سوزد . آقا این قدر غریب شده است که وقتی منِ پیرمرد می آیم یاری اش کنم حضرت زینب علیها السلام خوشحال می شود . ای وای اُف بر این دنیا باد . ارباب مقاتل نوشته اند حضرت زینب فرمود: شب عاشورا که شد نیمه های شب از خیمه زنها بیرون آمدم نگاهی به زمین کربلا کردم . دیدم صدای خش خش می آید حساس شدم نکند دشمن از دل این تاریکی بخواهد به سمت خیمه بیاید . جلو رفتم . دختر امیرالمؤمنین است شجاعت دارد و نمی ترسد . گفت : از دور یک سیاهی دیدم به چشمم آمد . جلوتر رفتم یک وقت دیدم کسی روی زمین نشسته است .گفتم خدایا چه کسی هست ، چکار دارد می کند . همانطور که جلوتر رفتم دیدم برادرم حسین است . خوب دقت کردم دیدم یک خنجر کوچک به دست گرفته است و خارهای بیابان را دارد بر طرف می کند . بعضی ها فهمیدند که می خواهم چه بگویم . صدای ناله ها بلند شد . آری می دانید این ناله های من و شما حکم چه چیزی را دارد . حکم همان حبیب بن مظاهر را دارد . وقتی زینب امشب بشنود که صدای ناله دارد می آید خوشحال می شود که یار برای حسین رسیده است . بیا با صدای گریه ات حسین را یاری کن . حضرت زینب علیها السلام را خشنود کن گفتم حسین جان در این دل شب خارهای بیابان را جدا می کنی آیا کار مهم تری وجود ندارد . یک وقت دیدم حسین با چشمانی پر از اشک به من نگاهی کرد فرمود : زینبم می دانی دارم چکار می کنم . فردا که روز عاشوراست همه را می کشند عصر عاشورا که می شود دستور می دهند خیمه زن ها را آتش می زنند . این زن و بچه های من ، این دختران کوچکم از ترس وحشت از این خیمه ها با پای برهنه بیرون می دوند . نمی خواهم خار به کف پای آنها برود . یا ابا عبدالله قربان دل مهربانت بروم آقاجان . شما طاقت نداشتی خار به کف پای دخترانت برود اما عصر عاشورا کجا بودی ببینی آن ساعتی که دشمن گوشواره از گوش دخترانت بیرون می آورند .

سه مرتبه با صدای بلند بگو یا حسین ، یا حسین ، یا حسین .

دعا

.Your browser does not support the audio tag

نَسئَلُکَ اللهَم وَ نَدعوکَ بِسمِك العظيم الاعظم الاعَزِّ الاجَلِّ الاکرَم ياالله ، يا الله و يا الله و يا الله ، يا الله و يا الله يا رحمن و يا رحيم ،

جهت شفای همه مریض ها مخصوصا مریضی که الان سفارش کردند چند مرتبه آیه أمن یُجیب را با هم قرائت می کنیم .

بسم الله الرحمن الرحیم

أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرِّ إِذا دَعاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ

وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفاءَ الْأَرْضِ أَ إِلهٌ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا ما تَذَكَّرُونَ (۱)

الهی یا حمید به حق محمد ، یا عالی به حق علی ، یا فاطِرُ بحقِّ فاطِمَه ، یا محسنُ بِحقِّ الحسن ، یا قدیمَ الاحسان بحقِّ الحسین و بحقِّ تِسعَهِ المَعصومینَ مِن وُلدِ الحُسین ،

به مقام اهل بیت ما را ببخش و بیامرز .

تعجیل در فرج آقا امام زمان بفرما .

از بقیه ی غیبت آقا صرف نظر بفرما .

عرض تسلیت ما را خدمت مقدسش ابلاغ بفرما .

همه ما را از سربازان واقعی حضرتش محسوب بفرما .

به حقیقت اهل البیت ، به حق این شب عاشورا مریضان را لباس عافیت بپوشان .

قرض مقروضین أدا بفرما .

آبروی آبرومندان حفظ بفرما .

ثوابی از این مجلس به روح شهدا و ارواح طیبه مؤمنین و مؤمنات ، ذوی حقوق و ذوی الارحام عائد و واصل بفرما .

علما ، مراجع تقلید ، بر تأییداتشان بیفزای .

به حقیقت امام حسین علیه السلام ما را از عزاداران واقعی حضرت محسوب بفرما .

۱- سوره نمل آیه ۶۲

فردای قیامت ما را از اصحاب حسین به حساب بیاور .

خدایا کمترین مزدی که در عوض این عزاداری ها عطا می کنی یک سفر زیارتی کربلای معلی با معرفت ، قسمت و روزی بفرما .

حاجات اهل مجلس ما فرد اندر فرد برآورده به خیر بفرما .

انشاالله دعاهایی که شده است و می شود به هدف اجابت برسان .

به حقیقت امام حسین ، دنیا و آخرت دستمان از دامانشان کوتاه مفرما .

دنیا از زیارت قبور اهل بیت ، آخرت از شفاعتشان بهره مند بفرما .

مولای مکرم شرح صدر بفرما .

رَحِمَ الله من یَقرَأ الفاتحه مَعَ الصلوات .

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹